

چین، خیرخواهان را دوست ندارد (ترجمه)

خبر

پولیس/بازرس محلی شهر ووهان، پزشک چینی «لی وینلیانگ» را که به مقامات چینی درباره ظهور ویروس کرونا هشدار داده بود، احضار کرد. وی با هفت همکارش که در این تحقیق باهم ارتباط داشتند، در مورد احتمال وجود همه‌گیر بودن ویروس جدید هشدار داد، آن‌ها را وادار به امضای تعهدی مبنی بر عدم یادآوری این بیماری همه‌گیر کرد. همچنین مقامات چینی داکتر «لی» و همکارانش را متهم به فتنه‌انگیزی و انتشار شایعات کردند.

تبصره

این عادت همیشه‌گی انسان‌های مستبد در هر زمان و مکان می‌باشد. الله سبحانه و تعالی ما را درباره وضعیت پیامبران که برای هدایت اقوام مختلف ارسال شده بودند، با خبر می‌سازد؛ این‌که انسان‌های مستبد همیشه در مقابل حق ایستادند و علیه آن مبارزه نمودند!

پس از آن‌که داکتر «وینلیانگ لی» در اثر درمان یکی از بیماران مبتلا به این ویروس درگذشت، وی به یک قهرمان مشهور تبدیل شد، که توسط چینی‌ها از آن یاد شده و گواهی بر عدم موفقیت و ناتوانی مقامات‌شان است؛ چراکه بجای مراقبت از مردم و منافع‌شان آن‌ها را سرکوب می‌کنند و مصلحت حزب حاکم را قبل از مصلحت مردم می‌بینند. حزب حاکم و استبدادی‌که به دلیل خراب شدن شرایط بهداشتی و امنیتی در کشور با توجه به ناتوانی دولت در کنترل بیماری همه‌گیر از انقلاب مردم می‌ترسد.

پس از شیوع این بیماری و افشاء شدن داستان داکتر «لی» و همکارانش، دولت متعهد شد که تحقیقات در مورد اوضاع این پرونده را انجام دهد تا بتواند جلو شورش مردم را که خطرناکتر از ویروس کرونا است، بگیرد و بجای مقابله با ویروس، مسئولین دست به اقدامات خودسرانه و سرکوبگرانه علیه مردم زدند.

در چین نیز واقعیت مثل سایر دولت‌های استبدادی است که از داعیان حق و خیر جلوگیری می‌کنند و تلاش می‌کنند تا با تمام قدرت و استبداد خود ایشان را ساکت کنند. این یک مثال زنده و واقعی از رفتار خودسرانه مقامات سرکوبگر است که می‌خواهند به سرعت دهان‌ها و صداها را ساکت کنند. این قول الله سبحانه و تعالی در سوره اعراف گواه بر این مدعا است:

﴿قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ ۗ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ﴾ (۷۵) ﴿قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ كَاْفِرُونَ﴾ (۷۶) ﴿فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يَا صَالِحُ ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾ (۷۷) ﴿فَأَخَذْتُمُ الرَّجْفَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ﴾ (۷۸) ﴿فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولًا مِنْ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ﴾ (۷۹) {اعراف 75-79}

ترجمه: (ولی) اشراف متکبر قوم او، به مستضعفانی که ایمان آورده بودند، گفتند: آیا (براستی) شما یقین دارید که صالح از طرف پروردگار فرستاده شده است؟! آن‌ها گفتند: ما به آن‌چه او بدان مأموریت یافته، ایمان آورده‌ایم. متکبران گفتند: (ولی) ما به آن‌چه شما به آن ایمان آورده‌اید، کافریم! سپس «ناقه» را پی کردند و از فرمان پروردگارشان سرپیچیدند و گفتند: ای صالح! اگر تو از فرستادگان (الله) هستی، آن‌چه ما را با آن تهدید می‌کنی، بیاور! سرانجام زمین لرزه آن‌ها را فرا گرفت و صبحگاهان، (تنها) جسم بی‌جان‌شان در خانه‌های‌شان باقی مانده بود. (صالح) از آن‌ها روی برتافت و گفت: ای قوم! من رسالت پروردگارم را به شما ابلاغ کردم و شرط خیرخواهی را انجام دادم، ولی (چه کنم که) شما خیرخواهان را دوست ندارید!

نویسنده: یوسف سلامه

مترجم: یاسین سادات